

جعبه‌ی کلمات

کلمات مترادف

نبرد: جنگ

اندوه‌گین: غمگین

بردباری: صبوری

تصمیم گرفتن: قصد کردن

خاور: مشرق

تحقیر: کوچک شمردن

سامان دادن: منظم کردن

ماهر: زبردست

رشید: دلاور

تناور: تنومند

نقص: عیب

تیزبال: تیزپرواز

زمزمه: آرام زیر لب حرف زدن

سرپنجه: نیرو

پولادین: بسیار محکم

واپسین: آخرین

توران: نژاد ایرانی در آسیای میانه

پهلوان: دلیر

پایداری: ایستادگی، مقاومت

استوار: پلرجا، پایدار، محکم

چاره: راه حل

سرانجام: عاقبت و پایان کاری

قامت: قد و بالا، اندازه

گهر: گوهر، مروارید

چست: چالاک، چابک

پنهانی: پنهانی

گریزان: شتابان، فراری

جاودانی: همیشگی

بامداد: صبح زود

فرود آید: پایین بیاید

علوی

بی‌تابی: بی‌قراری، نا‌آرامی

کمان: ابزار تیر اندازی

نگریست: نگاه کرد

دیرین: قدیمی

کلمات متضاد

پیروزی ≠ شکست

سختی ≠ آسانی

دیوانه ≠ عاقل

خاور ≠ باختر

کلمات هم خانواده

تحقیر، حقیر، حقارت

توانا، توانایی، توان، توانمند

وزنده: در حال وزیدن

غرآن: در حال غرییدن

وارونه: برعکس

خرم: ...شاد، خوشحال

بی‌جان ≠ جاندار

شیرین ≠ تلخ

نامید ≠ امیدوار

آشتی ≠ قهر

تیره ≠ روشن

تنگ ≠ گشاد

نازک ≠ ضخیم

مشکل، اشکال

نقص، ناقص

ماهر، مهارت

رشید، رشادت

املا دان

یکی دیگر از فعالیت‌هایی که املارا تقویت می‌کند پیدا کردن کلمات از جدول حروف و نشانه‌هاست.

الف: تمامی کلماتی را که می‌توانی به صورت ← ، ↓ و ↘ از جدول پیدا کنی را بنویس. (به جاهای خالی دقت کن.)

ا	ف	ر	ا	س	ی	ا	ب		ت	غ
ط			س	پ	ا	ه			ح	ر
و	ی		ت	ج	ی	ح	و	ن	ق	ا
ل	ه		و	ی		ر			ی	ن
ا	ر		ا		غ		م		ر	
ن	ق	ص	ر			ه	ن	ر		
ی	ل			ش			ت		م	
ع	ه	خ	ر	م	ی		ظ			ه
ی	ا	ا	ه	ر		د	ر			
ب	ا	ر	و	ی	ب	و	ل	د	ی	ن

مرز را پرواز تیری می‌دهد **سیامان**

رستم بارها را شکست داد. **توران**

مخالف خاور، است. **باختر**

هم خانواده ملهر **مهاریت** است.

شعر زیبای باران را سروده است.

گلچین گیلانی

مخالف کلمه سختی **آسانی** است.

صد هزاران

کار صدها تیغی شمشیر کرد آرش.

مردم از پیر و جوان به سمت **قله** حرکت کردند.

آرش بی جان بر **تخته سنگی** افتاده بود.

سپاه توران به فرماندهی افراسیاب از رود **جیحون** گذشته بود.

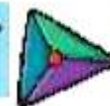
این خبر را هر دهانی، زیر گوشی، باز گوی کرد: آخرین فرمان **تحقیر**

روزگار به سختی می گذشت و چاره‌ای جز **بر دباری** نبود.

آرش کمانگیر، ماهر ایرانی، خود را برای پرتاب این تیر آماده کرد.
تیرانداز

ب: تعداد کلماتی را که پیدا کردی و نوشتی با دوستان خود مقایسه کن.

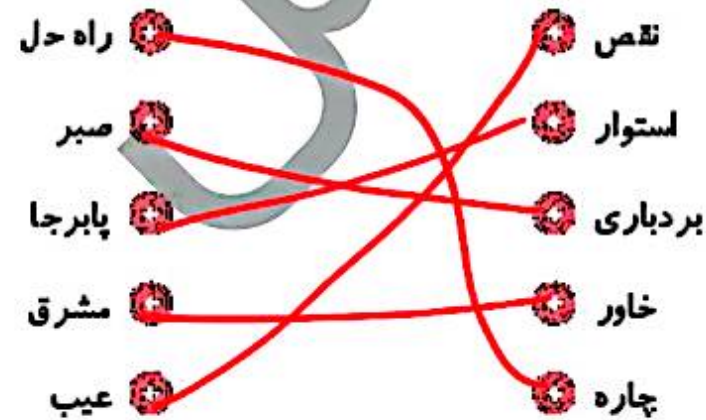
تمرین



تمرین



۱ کلمات هم معنی را به هم وصل کن.



فارسی چهارم دبستان



علوی

۲ درستی ☒ و نادرستی ☒ جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: شعر باران از گلچین گیلانی، است. ☒

ب: خاور، به معنی مشرق، است. ☒

پ: تیر، در کنار رود جیحون بر ساقه‌ی درخت اناری که بسیار تنور بود، افتاد. ☒

ت: (ای تولانی که به ما تولانی بخشیدی) از یک جمله تشکیل شده است. ☒ منادا یک جمله حساب می‌شود

۲ کلمات زیر را کامل کن.

تیز...بال	قا...مت	ایرا...نیا	طو...لانی
ببر...باری	تیر...انداز	منتظر	لبان...گیر

حالا با انتخاب دو کلمه به دلخواه، یک جمله‌ی زیبا بنویس
نبرد ایرانیان و تورانیان طولانی شده بود.

کلمه‌ها را به‌طور مناسب دوبه‌دو کنار هم قرار بده و واژه‌های جدید بساز.

گوشی - جنگ - خسته - تیر - جویان - بلندی - کمان - کننده - زیر - سر

جنگ جویان

خسته کننده

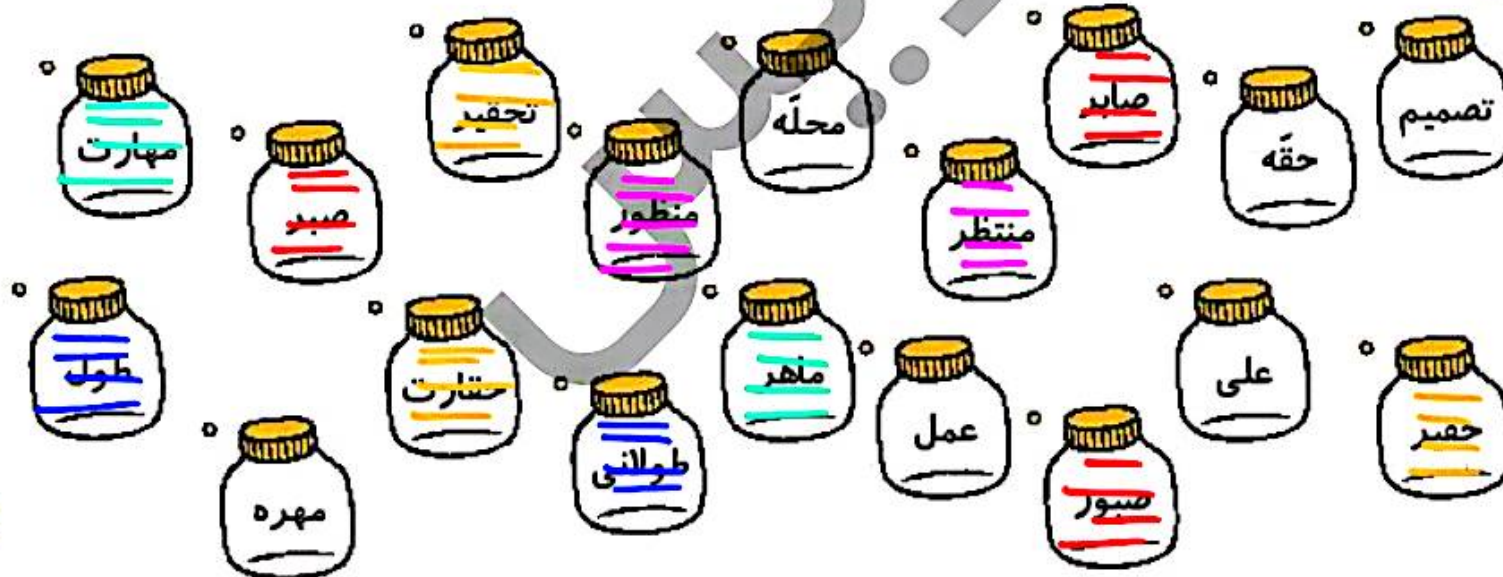
زیر گوشی

کمان گیر

سر بلندی



کلمات هم‌خانواده را مثل هم رنگ کن.



۵۹

آش کمانگیر ➡ درس ششم

۶ مخالف کلمه‌های زیر را بنویس.

قهر = **انتشی**

پدروزی = **تسلست**

خاور = **باختر**

نهان = **اشکار**

اندوهگین = **خوشحال**

دشوار = **آسان**

۷ بازی با نقطه، را، با دوستانت انجام بده. (با جابه‌جا کردن، کم یا اضافه کردن نقطه‌ها، کلمه‌های جدید بنویس.)

ننگ

نگ

زنگ

زنگ

سیر

سیر

تیر

تیر

۹ از ترکیب کردن حرف‌هایی که از قوری بیرون می‌آید، ۴ کلمه‌ی معنی‌دار بساز و بنویس.



صنایع

ادب

قند

عقد

عقاب



۱۰ با توجه به علائم نگارشی داده شده، از متن درس یک جمله متناسب با هر علامت بنویس.

آرش کمان گیر، تیر انداز ماهر ایرانی، خود را برای پرتاب
این تیر آماده کرد.
کو باروی پولادین و کو سرپنجه ی ایمان؟
خوب ببینید!

۱۱ در این درس، با آرش، پهلوان ایرانی آشنا شدیم؛ نام چند پهلوان دیگر ایران را بنویس.

پهلوان تختی

اسفندیار

سهراب

رستم



فهرستی چهارم دبستان



من خواهم خاطره‌ای از روزهای تعطیلات تابستان برایت تعریف کنم. مدرسه‌ها تعطیل شده بود و من به همراه خانواده برای گذراندن تعطیلات به باغ زیبای پدر بزرگم رفتیم. من عاشق این باغ بودم و دوست داشتم از صبح تا شب در این باغ بچرخم. از درختان سیب و آلبالو بالا می‌رفتم و میوه می‌چیدم. یک روز بعد از نهار همگی به رودخانه‌ای که در نزدیکی باغ بود رفتیم. من که از آب‌بازی خوشم می‌آمد، با سرعت خود را درون رودخانه انداختم اما چون جریان آب زیاد بود ناگهان متوجه شدم آب من را با خود می‌برد. اما شانس با من بود چون پدرم که در آن نزدیکی بود خود را به من رساند و من را از آب بیرون کشید. در آن روز من توانستم به کمک پدرم جان سالم به در ببرم و یاد گرفتم قبل از انجام هر کاری فکر کنم.

الف: از متن بالا سه جمله انتخاب کن و جدول را کامل کن.

پیام جمله	جمله
تعطیل بودن مدرسه	مدرسه‌ها تعطیل شده بود
دوست داشتن باغ	من عاشق این باغ هستم
فکر کردن قبل از انجام کار	یاد گرفتم قبل از انجام کاری فکر کنم

ب: حالا دو جمله که با نشانه‌ی ربط «و» به هم وصل شده‌اند را بنویس.

مدرسه‌ها تعطیل شده بود و من به همراه خانواده برای

گذراندن تعطیلات به باغ پدر بزرگم رفتم

۱۳ با توجه به سؤالات داده شده، پاسخ مناسب را انتخاب کن.

الف: کدام گزینه یک جمله‌ی کامل نیست؟

- (۱) می‌دویدم همچو آهو (۲) بار باران با ترانه (۳) دور می‌گشتم ز خانه (۴) می‌خورد بر بام خانه

ب: کدام یک از کلمات زیر از دو بخش تشکیل شده‌اند؟ (غیر ساده هستند.)

- (۱) تحقیر (۲) نزدیک (۳) دشوار (۴) گلگون

پ: کلمه‌های جا افتاده در شعر زیر، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

«گردش یک روز دیرین / خوب و شیرین / توی جنگل‌های / دور می‌گشتم ز / می‌شنیدم

از پرنده / برق چون شمشیر پاره می‌کرد را»

- (۱) ایران، آنجا، غزان، ابرها (۲) گیلان، خانه، بزآن، بادها (۳) گیلان، خانه، بزآن، لبرها (۴) شمال، خانه، بزآن، ابرها

آش کمانگیر ➡ درس ششم



خوانش و پردازش



متن زیر را بخوان و به پرسش‌ها پاسخ بده. ۱۴

روزی پادشاهی خواست به فرزندان خود پندی بدهد. فرزندان را به نزد خود فرا خواند و چوبه‌ی تیری از تیردان بیرون آورد و به آن‌ها داد و گفت: «بشکنید». آن‌ها با نیروی کسی شکستند. بار دیگر دو عدد داد. باز به آسانی شکستند.

بدین ترتیب بر تعداد چوب‌ها افزود تا به این که تعداد آن‌ها بیش از ده چوب رسید. آن موقع فرزندان از شکستن چوب‌ها عاجز شدند.

پادشاه رو به فرزندان کرد و گفت: «ای فرزندان! حال شما در زندگی هم این گونه است. تا هنگامی که یاور و پشتیبان هم باشید دشمن نمی‌تواند بر شما چیره شود و سالیان دراز می‌توانید پیروز و قدرتمند بمانید.»

«جامع التواریخ - خواجه رشیدالدین فضل‌الله»

الف: عنوان مناسبی برای داستان انتخاب کن.

عزیزم. نظر خودت رو بنویس

ب: پادشاه چه درسی به فرزندان خود داد؟

۱) صداقت ۲) دین داری

پ: چرا پادشاه فرزندان را نزد خود فراخواند؟

می خواست به فرزندان پند بدهد

ت: فرزندان از شکستن چوبها چه موقع ناتوان شدند؟

وقتی بر تعداد چوب ها افزوده می شد

ث: به نظر شما چرا پادشاه چوبها را مرحله به مرحله زیاد کرد؟

عزیزم. نظر خودت رو بنویس

۴) رفاقت

۳) اتحاد و همدلی

